

مسلمان واقعی!

علی را می بینیم که از هر نظر اجتماعی ترین فرد است، آگاه ترین فرد به اوضاع و احوال مستمندها، بیچاره ها، مساکین و شاکیهاست. در حالی که خلیفه بود روزها ... شلاقش را روی دوشش می انداخت و شخصاً در میان مردم گردش می کرد و به کارهای آنها رسیدگی می نمود. به تجّار که می رسید فریاد می کرد: (الْفَقْهُ تَمَّ الْمُتَجَرُّ) اول بروید و مسائل تجارت یاد بگیرید، احکام شرعی اش را یاد بگیرید، بعد بیایید تجارت کنید؛ معامله حرام نکنید، معامله ربوی نکنید. اگر کسی می خواست دیر به دنبال کسبش برود، به مردم فریاد می کرد: (اَعْدُوا إِلَى عَزْكُمْ) صبح زود به دنبال عزّت و شرف خودتان بروید یعنی بروید دنبال کارتان، کسبتان، روزی تان. انسان وقتی که از خود درآمد داشته باشد و زندگی اش را خود اداره کند، عزیز است. کار و کسب عزت است، شرافت است. این را می گویند نمونه یک مسلمان واقعی. در عبادت اول عابد است. در مسند قضا که می نشیند، یک قاضی عادل است که یک سر مو از عدالت منحرف نمی شود. میدان جنگ می رود، یک سرباز و یک فرمانده شجاع است؛ یک فرمانده درجه اول که خودش فرمود: من از اول جوانی جنگیده ام و در جنگ تجربه دارم. روی کرسی خطابه می نشیند، اول خطیب است. روی کرسی تدریس می نشیند اول معلم و مدرّس است، و در هر فضیلتی همین طور است. این، نمونه کامل اسلام است. اسلام هرگز ثَوَمِنْ بَعْضٍ وَ نَكَفَرُ بَعْضٍ را نمی پذیرد که بگوییم این گوشه اسلام را قبول داریم ولی آن گوشه اش را قبول نداریم. انحرافات در دنیای اسلام از همین جا پیدا شده و می شود که ما یک گوشه را بگیریم و بچسبیم ولی گوشه های دیگر را رها کنیم.

[مرتضی مطهری، آزادی معنوی، تهران، صدرا، چاپ سی و هفتم، ۱۳۸۶، ص ۸۴]



چه چیزی ماند که دست خودمان باشد؟!!

غناي خدا عقب فقر می گردد، علمش عقب جهل می گردد، هستی اش عقب نیستی می گردد. پس غنايش فقر را از بین برد، علمش جهل را زائل کرد، هستی اش فنا را از میان برداشت و حیاتش موت را از بین برد. در حدیث است که هشت چیز شما دست خداست؛ موت و حیات، مرض و صحت، فقر و غنا، و خواب و بیداری؛ چه چیزی ماند که دست خودمان باشد؟!!

[حاج اسماعیل دولابی، مصباح الهدی، ص ۲۸ و ۲۹]

باید اینا رو حفظ کنیم!



شب های عملیات، آقا مهدی نمی توانست همراه بچه ها به خط بزنند. باید در قرارگاه می ماند و عملیات را هدایت می کرد و گردان ها را راهنمایی می کرد. او تا صبح چشم روی هم نمی گذاشت. صبح اول وقت هم، بعد از نماز راه می افتادیم به سمت خط. نیروها به علت این که مسافت زیادی را باید طی می کردند تا به خط بزنند و با دشمن درگیر شوند، در بین راه، نوعاً به علت خستگی و یا عدم توجه بعضی از وسایل شان به زمین می افتاد. وقتی آقا مهدی صبح به طرف منطقه ی درگیری می رفت، در بین راه، هرچه وسیله و امکانات می دید همه را جمع می کرد، می گفت: «اینا بیت المال، باید اینا رو حفظ کنیم. این پول همون پیرزنیه که دو زار دو زار جمع کرده و داده اینا رو خریدن تا ما تجهیز بشیم و علیه دشمن بجنگیم. پس باید اینا رو نگهداری کنیم.» دیگر کارمان این شده بود که همیشه همراه خودمان چند گونی بر میداشتیم و تمام وسایلی که به جا مانده بود را داخل گونی می ریختیم و به تدارکات بر می گرداندیم.

[علی اکبری، نمی توانست زنده بماند (خاطراتی از سردار شهید مهدی باکری)]

تهران، یا زهرا سلام الله علیها، چاپ چهارم، ۱۳۹۲، ص ۴۱]

سوال

با توجه به اینکه فرزندان ما هنوز به تکلیف نرسیده اند و در رفت و آمد با اقوامی که نوار غنا گوش می دهند ممکن است به آن نوار علاقه پیدا کنند و با توجه به اینکه چنانچه آنها را محروم کنیم ممکن است پنهانی آن را گوش دهند تکلیف چیست؟

جواب

گرچه بچه نابالغ تکلیف شرعی ندارد و استماع غنا و موسیقی حرام، بر او حرام نیست لیکن اقدام بزرگترها بر در اختیار گذاشتن نوار موسیقی حرام و غنا برای اطفال جایز نیست؛ و تکلیف شرعی والدین کوشش در آشنا کردن اطفال پیش از بلوغ بر ضوابط و موازین و اخلاق شرعی است و جایز نیست به عذر این که بچه تکلیف ندارد او را در ارتکاب هر عملی آزاد بگذارند.

(استفتائات مقام معظم رهبری امام خامنه ای در سایت معظم له به آدرس: leader.ir)